

اخبار نمایش

ازسوی گروه انتخاب برگزیدگان جشنواره‌های استانی صورت گرفت

انتخاب ۱۴نمایش برای جشنواره تئاتر فجر



گروه انتخاب برگزیدگان جشنواره‌های استانی ۱۴ نمایش را برای حضور در سی‌وهفتمین جشنواره تئاتر فجر برگزید.

در سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر گروه انتخاب این بخش متشکل از سهراب سلیمی افشین خورشیدباختری ومحسن علیخانی، پس از تماشای اکثر آثار به‌صورت زنده و بازیبنی برخی از آثار به‌صورت فایل تصویری، ۶۳نمایش برگزیده‌از ۳۴جشنواره تئاتر استانی، ۱۴ اثر را برای حضور در این جشنواره برگزیدند.اسامی نمایش‌های برگزیده به‌ترتیب حروف الفبایه این شرح است:

- «استرالیا» به کارگردانی کامران جباری ازبیجار
- «افسانه امیل و ممیل» به کارگردانی شهاب امرایی از دورود
- «افرا» به کارگردانی احسان جانمی از اصفهان
- «پروانه الجزایری» به کارگردانی سعیدزندی ومحمدضارنداز کرمانشاه
- «پرسه‌های موازی» به کارگردانی علی کاظمی‌ونداز تبریز
- «تاریخ مردم کوچه و بازار» در قرن هیجده فرانسه» به کارگردانی سعیدشیخی از قزوین
- «تاکسیدرمی» به کارگردانی مجتبی رستمی فرا اهواز
- «تانگوی شیطان» به کارگردانی وحید درویشی از رشت
- «چکمه‌هایی که حباب می‌شوند» به کارگردانی کمیل جعفری از قشم
- «سم عاشقی آب‌ها» به کارگردانی محمد اسماعیل بیگی از ایلام
- «رومئو وژولیت» به کارگردانی مسعود صفری از مشهد
- «عروسی خون» به کارگردانی فضل‌الله عمرانی از بندر دیر
- «یک خانواده محترم» به کارگردانی عادل عزیزنژاداز شیرانات
- «یک هفته راه رفتن در بهشت» به کارگردانی سیدمحمدهادی هاشم‌زاده از شیراز

سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دبیری نادر برهانی‌مرد از ۲۲ بهمن تا ۴ اسفند ماه برگزار خواهدشد.
■ ■ ■

ماجرای دنباله‌دار کلاه گیس‌ها در تئاتر

این روزها استفاده از کلاه گیس در تئاتر، به یک حاشیه بی‌پایان تبدیل شده‌است؛ امانامیشی از سه‌شنبه روی صحنه رفته‌ است که در پوستر آن، بازیگری با کلاه گیس خودنمایی می‌کند. با گسترش فضای مجازی و استفاده مردم به‌ویژه سلب‌ریتی‌ها بدون دانش رسانه‌ای از این فضا، اتفاقاتی رخ داده که بین فضای رسمی تبلیغات هنری به‌ویژه در عرصه تئاتر و فضای رسمی فاصله‌گذاری می‌کند. انتشار پوستر با عکسی در راستای تبلیغات آثار از سوی افراد، بدون توجه به ممیزی‌ها و هنجارهای جامعه باعث ایجاد حاشیه‌هایی برای جامعه تئاتری کشور می‌شود. چنان‌که به تازگی، یکی از مراجع عظام تقلید در زمینه استفاده از کلاه گیس در بین بازیگران خانم تذکراتی را مطرح کرد. این روزها پوستر نمایشی، در درس‌ساز شده‌ است. عوامل این نمایش که اجرای‌شان را از ۲۷ آذر ماه در تئاتر مستقل تهران آغاز کرده‌اند، بدون تأیید شورای نظارت و ارزشیابی تئاتر، پوستر ی از نمایش خود را با تصویر بازیگری منتشر کردند که کلاه گیس به سر دارد. این پوستر توسط بازیگران نمایش و دیگر هنرمندان سینما و تلویزیون به‌سرعت در فضای مجازی پخش شد. شهرام کرمی، مدیر کل اداره هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با فارس که از وی سؤال کرد چرا اداره کل هنرهای نمایشی نسبت به تبلیغ نمایشی که بازیگران آن از کلاه گیس استفاده کرده، واکنش نشان نمی‌دهد، گفت که پس از مشاهده تصویر با عوامل نمایش، مدیر تئاتر مستقل و سرپرست شورای نظارت بر تئاتر تماس گرفته و عوامل دست به‌جمع‌آوری تصاویر منتشر شده کردند. مصطفی کوشکی، مدیر تئاتر مستقل نیز عنوان کرد که این پوستر، پوستر اصلی نمایش نبوده و پوستر ی که توسط شورای نظارت و تماشاخانه مستقل منتشر شده، با عکس قبلی که توسط هنرمندان منتشر شده، متفاوت است.

«مردی به نام دایک»؛ قاتل است یا کلاهبردار فرهنگی؟

بازی با اعصاب تماشاگر

خبر این قتل، در سراسر کشور پیچیده، به این دلیل که قاتل هویت واقعی خود را پنهان و کتمان می‌کند و در مورد گذشته و هویتش، هیچ اطلاع و سرنخی به پلیس نمی‌دهد. و دقیقاً ماجرا از این جا آغاز می‌شود؛ از این جا که چرا این مرد، با نام مستعار «دایک»، نمی‌خواهد شناخته شود و منکر داشتن خانواده است. همین شخصیت مبهم و تسلیم او در برابر قانون و پذیرشش، موجب شده مردم از گوشه و کنار کشور، برای رئیس زندان نامه بفرستند و ادعا کنند با دایک نسبت خانوادگی دارند.



و کتمان می‌کند و در مورد گذشته و هویتش، هیچ اطلاع و سرنخی به پلیس نمی‌دهد، و دقیقاً ماجرا از این جا آغاز می‌شود؛ از این جا که چرا این مرد، با نام مستعار «دایک»، نمی‌خواهد شناخته شود. و منکر داشتن خانواده است. همین شخصیت مبهم و تسلیم او در برابر قانون و پذیرشش، موجب شده مردم از گوشه و کنار کشور، برای رئیس زندان نامه بفرستند و ادعا کنند با دایک نسبت خانوادگی دارند.

حالا شب اعدام دایک است. در اتاق رئیس زندان، واردن هولت هستیم و در برابر مان میزی قرار دارد که کوهی از نامه‌های مردم، روی آن تلنبار شده است. نامه‌هایی که ادعای می‌کنند دایک جزوی از خانواده آن‌هاست. واردن هولت ناگهان با مردمی مواجه شده است که به جای همدردی با مقتول و عصبانی بودن در مورد این قتل، با قاتل ناشناس، همدلی می‌کنند و حتی او را از خود می‌دانند.

واردن هولت در این آخرین ساعات‌های باقی‌مانده تا زمان اعدام همراه کشیشی که برای همراهی در اجرای مراسم آمده، در حال کندو کاو این ماجراست و مصرانه می‌خواهد از

هویت اصلی دایک، سر در بیاورد. در واقع او نمی‌تواند به خود بقبولاند این قاتل، بی آن که دقیقاً شناسایی شده باشد، اعدام شود. گذشته قاتل و کیستی او شاید از این جهت مهم است که واردن هولت را به علت این قتل راهنمایی می‌کند. قتلی که خود واردن هم پیدا و پنهان، چندان مشکلی با آن ندارد. هم‌چنان که دایک، مرگ را حق مقتول می‌داند.

در این میان، دختری از شهری دور به ملاقات دایک آمده‌ است و اصرار دارد که حتما او را ببیند و برای ملاقات با دایک حتی از شهر دار مجوز گرفته‌ است. او بنا به اطلاعاتی که مادر بیمارش داده، یقین دارد دایک، همان برادر گمشده‌ای است که چندین سال پیش آن‌ها را ترک کرده و ناپدید شده‌ است.

واردن نیز برای مشخص شدن هویت اصلی دایک، بر این ملاقات، اصرار دارد. او امیدوار است این دختر بتواند رازی یا آزارهایی را که دایک پنهان می‌کند، آشکار کند.

ملاقات اتفاق می‌افتد. دایک و دختر تنها می‌شوند. دختر نشانی از مادر به همراه دارد. با ورود دختر به اتاق، دایک دگرگون می‌شود، اما سعی

هیچ کدام از پرسوناژهای نمایش، نه شخصیت و حال و هوای شان و نه بازی شان، به دل نمی‌نشیند. به عنوان تماشاگر، اصلاً نمی‌شود با این فضا و با این آدم‌ها ارتباط برقرار کرد. تنها می‌توان این آدم‌ها را تحمل کرد

می‌کند این دگرگونی را پنهان کند. او برادری و فرزندی خود با خانواده دختر را انکار می‌کند. او می‌گوید هرگز چنان خانواده‌ای نداشته و در چنان شهری زندگی نکرده‌ است. اما از میان خیل نامه‌های روی میز، پاکتی را که حاوی دسته چک و پول است، به دختری می‌دهد تا برای مادرش ببرد و به زندگی‌شان سر و سامانی بدهد؛ به هر حال این نامه‌ها و کمک‌ها، از سوی مردمی فرستاده شده که دایک را عضو خانواده خود می‌دانند و دایک می‌تواند از این داری‌ها هر طور که دلش می‌خواهد استفاده کند. در نهایت با این که دختر یقین دارد، دایک همان برادر گمشده‌ است و با گرفتن آن پاکت

دایک را ترک می‌کند و دایک می‌رود که حکمش را بپذیرا شود و به عنوان یک قاتل بی‌نام و نشان، اعدام شود؛ چیزی که قاضی را به شدت آزار می‌دهد.

ضعیف، خیلی ضعیف!

نمایش «مردی به نام دایک» با چهار بازیگر و صحنه‌ای که در آن یک میز و یک صندلی قرار دارد و پرده‌ای که روی آن ویدئو آر تی پخش می‌شود برای نشان دادن راه‌رو و رفت و آمده‌ای از قبل ضبط شده‌ای که به اتاق رئیس زندان منتهی می‌شود، صحنه سرد و بازی‌های بسیار سردتری دارد. به عنوان تماشاگر، هیچ کدام از پرسوناژهای نمایش، نه شخصیت و حال و هوای شان و نه بازی شان، به دل نمی‌نشیند. به عنوان تماشاگر، اصلاً نمی‌شود با این فضا و با این آدم‌ها ارتباط برقرار کرد. تنها می‌توان این آدم‌ها را تحمل کرد. حتی بازیگر نقش قاتلی که تلاش می‌کند در حد و اندازه‌های یک قهرمان اینترگر ظاهر شود، هیچ حس همدردی بر نمی‌انگیزد. انگار بازیگران، به اجبار وارد این بازی شده‌اند و به ضرب و زور دیالوگ‌های صرفاً حفظ شده، بازی را پیش می‌برند. در حالی که نمایش، فی‌نفسه ظرفیت آن را داشت که گرم‌تر و پر تحرک‌تر اتفاق بیفتد. داستان نمایش خود به خود آن قدر جذاب هست که با انتخاب درست بازیگران و با یک کارگردانی حساب‌شده، می‌شد نتیجه بهتری گرفت. اما اصل ماجرا این است که به احتمال قوی، نه کارگردان و نه بازیگران، به‌رغم این که اذعان می‌کنند، نمایشنامه برای‌شان جذاب بوده؛ در یک عمیقی نسبت به آن نداشته‌اند و خیلی سطحی با آن مواجه شده‌اند. مواج‌های سرد و کش‌دار و گاه حتی جانکاه، آن هم در سالن قشقای تئاتر شهر، که معلوم نیست بنابر چه مناسب‌ت‌هایی در اختیار چنین گروه ضعیفی قرار گرفته‌ است.

نمایشنامه برای میامی جذاب بود!

مهدی میامی و کارگردان این نمایش، درباره نمایش «مردی به نام دایک» می‌گویند: این نمایشنامه نوشته «هال ورثی‌هال» و «روبرت میدل‌مس» است که تازه به دستم رسیده‌ است و زمانی که متن را مطالعه کردم به‌ نظرم یکی از جذاب‌ترین نمایشنامه‌هایی آمد که تا به حال خوانده‌ام. ایسن اثر نمایشی چهار پرسوناژ دارد و امکان بسیار مناسبی برای بازیگران فراهم می‌کند تا توانایی‌های‌شان را به مخاطب عرضه کنند.

میامی دلیل انتخاب ایسن متن را



کامنت‌های اکثر تماشاگران در مورد «مردی به نام دایک»، نشان از نوعی احساس سرخوردگی همراه با کلاهبرداری فرهنگی داشت. مسلمانا بد روشن شود که چرا چنین حسی در سالن قشقای تئاتر شهر، به تماشاگران، فروخته شده است

جذاب بودن آن می‌داند: این نمایشنامه اثری خانوادگی و رمانتیک به حساب می‌آید. در این نمایش مردی به نام دایک شخصی را کشته و محکوم به اعدام است و یک ساعت دیگر حکم او اجرا می‌شود اما او هویت واقعی‌اش را فاش نکرده و اکنون از سراسر کشور نامه‌هایی آمده و افرادی مدعی‌اند با او نسبت فامیلی و دوستی دارند. جذابیت اصلی نمایش در فاش شدن هویت این مرد و دلایل این پنهان کاری است. میامی می‌گوید: نمایشنامه اثری رئالیستی با بازی‌های واقع‌گرایانه است، اما در اجرا نگاه تازه‌ای به متن شده و از نظر شیوه کارگردانی تلاش کرده‌ام رو بگردم به متن متفاوت باشد.

آقای زنجانی‌پور شما چرا؟!

اکبر زنجانی‌پور بعد از تماشای «مردی به نام دایک» گفته‌ است: بعد از مدت‌ها یک تئاتر واقعی دیدم. این روزها شاهد به صحنه رفتن نمایش‌هایی هستیم که دیگر تئاتر نیستند و نمی‌دانم چه چیزی هستند! نکته مثبت نمایش «مردی به نام دایک» این بود که یک تئاتر واقعی دیدیم و خیلی از این بابت خوشحالم.

زنجانی‌پور گفته: «نمی‌توان در یک گفت‌وگوی کوتاه در مورد شناسنامه تئاتر چیزی گفت، اما از نگاه من این تئاتر، ویژگی‌های یک تئاتر خوب را داشت و مشخص بود که گروه زحمت زیادی کشیده بودند.

خوب به نظر می‌رسد آقای زنجانی‌پور در یک فرصت مناسب و در گفت‌وگویی مطول، باید حتما در این نمایش که به زعم وی تئاتری واقعی بود صحبت کند. چرا که کامنت‌های اکثر تماشاگران در مورد «مردی به نام دایک»، نشان از نوعی احساس سرخوردگی همراه با کلاهبرداری فرهنگی داشت. مسلمانا باید روشن شود که چرا چنین حسی در سالن قشقای تئاتر شهر، به تماشاگران، فروخته شده‌ است!

پیش خواهند رفت و در این میان تئاتر متعهد روشنگرانه و ژرف‌اندیش جایی نخواهد داشت و تجارت غلبه خود را اعمال خواهد کرد. این معضل درست از زمانی آغاز شد که اصطلاح «تهیه‌کنندگی» وارد عرصه شریف تئاتر شد و همان خصلت‌ها و سلیقه‌هایی که کمابیش در سینما رایج بوده، با به عرصه تئاتر گذاشت و کارگردانان و نویسندگان را تحت سلیقه‌های خود و تأمین گیشه قرار داد. بی‌شک تهیه‌کننده همواره به دنبال تأمین وجوه مالی و سرمایه بیشتر است و برای تحقق آن از همه ارزش‌ها و فضیلت‌ها عدول و در خدمت سلیقه‌های مخاطبان و تفنن‌گرایی میل خواهد کرد.

تئاتر گیشه‌ای اکنون دارد بر تئاتر محتوایی و با‌اصالت غلبه می‌کند و هنرمندان این رشته را با خود می‌برد.

سلب‌ریتی‌گرایی، لاکچری‌بازی‌های سوداگرانه، نبود استراتژی‌های دقیق و روشن و به‌مخاطره‌افتادن معیشت و کار هنرمندان تئاتر همه‌و همه موجب سقوط فضیلت و ارزش‌های هنر والای تئاتر خواهد بود و اگر دولت از تئاتر خوب و اصیل حمایت نکند، به‌زودی این گرایش تجارت‌مآبانه تئاتر ما را به سوداگری خواهد برد و قیمت‌ها روز به روز بالاتر خواهد رفت.